

اشکی به یاد سواران رفته

مرتضوی، منوچهر؛ اشکی به یاد سواران رفته (مجموعه مقالات دکتر منوچهر مرتضوی)؛ به اهتمام محمدتقی سبکدل؛ تبریز: نشر اختر، ۱۳۹۳، ۵۱۲ صفحه.

مقدمه

آذربادگان، نام قدیم آذربایجان، از دیرباز یکی از اصلی‌ترین قطب‌های شعر و ادب ایران زمین به شمار می‌آید و بی‌تردید شهر تبریز به دلیل جای دادن عارفان و شاعران صاحب‌نام در دل خود، جایگاه ویژه‌ای را در بین شهرهای دیگر کشورمان داراست. مجموعه مقبره‌الشعراى تبریز بزرگ‌ترین آرامگاه ادیبان و شاعران پارسی‌گوی ایران، در محله سرخاب واقع شده است. در میان این شاعران اشخاصی هستند که از شهر و استان و کشور فراتر رفته و شخصیت جهانی پیدا کرده‌اند.

دکتر مرتضوی از نظر اجتماعی شخصیت جهانی بود. توصیف یک روح حساس و ضمیر پاک و قلبی پراز مهر و عاطفه و عشق و ایمان، در کمال تواضع و فروتنی و بی‌ادعایی را چگونه می‌توان مجسم نمود. آن انسان کامل، عارف عامل، معلم پارسا، مسافره‌شناس و رهنما، طالب حقیقت، عاشق گستره معرفت، شیدای حریت، صاحب سخنی در کمال لطافت و رأفت.

استاد مرتضوی انسان والایی بود، باب بحث و تفحص در هر رشته پیش او باز بود و مکتب کمال و مأمن همه نوع ذوق و سلیقه بود. همگان از هر صنف و دسته می‌توانستند متاع خود را عرضه نمایند، دانسته‌های خود را بیان کنند و از نادانسته‌ها جويا شوند. همیشه بحث آزاد بود، هر کس به اندازه وسعت نظر خود بهره می‌داد و بهره می‌گرفت. با زبان همگان صحبت می‌کرد، تحمل همه را داشت و متواضع و بردبار بود.

عارفی بود بی‌ادعا و به اصطلاح قصیر المبانی و کثیر المعانی. در پیش او عرفان به معنی ایثار بود، ولی او همیشه در عرفان خودش گمنامی و خاموشی را ترجیح می‌داد.

درباره استاد

زنده یاد استاد دکتر سیدمنوچهر مرتضوی طبق شجره‌نامه‌ای که به تصدیق علمای وقت رسیده است، نسبت خانواده‌اش به امام

چهارم، حضرت زین العابدین (ع) می‌رسد و حاج سیدمرتضی، جد اعلاى ایشان در عهد نایب السلطنه، عباس میرزا به تبریز آمده و خانواده بزرگ مرتضوی را تشکیل داده است. دکتر مرتضوی در اول تیرماه ۱۳۰۸ در محله ششگلان تبریز چشم به جهان گشود. پدرش حاج سیدابراهیم آقا از معتمدین شهر تبریز به شمار می‌رفت. مقدمات علوم را در تبریز کسب کرد و مقطع متوسطه را در دبیرستان فیروز بهرام تهران گذراند. پس از اتمام تحصیلات متوسطه برای ادامه تحصیلات عالی به وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و از محضر استادان بزرگوارى چون ملک‌الشعراى بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، محمدتقی مدرس رضوی و... کسب علم کرد. در سال ۱۳۲۹ شمسی از دانشگاه تهران مدرک لیسانس رشته زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود. در سوم اردیبهشت سال ۱۳۳۷ در دانشگاه تهران از رساله دکتری خود با عنوان «اوضاع ادبی آذربایجان در عصر ایلخانیان» دفاع کرد و در رشته زبان و ادبیات فارسی دکتری گرفت. در اول مردادماه سال ۱۳۴۳ به موجب ابلاغ وزارت فرهنگ و هنر آن زمان به درجه استادی نائل آمد و در اواسط دهه چهل شمسی مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران وابسته به دانشگاه آذربادگان را بنیان‌گذاری کرد که کتاب‌های کم نظیری توسط این مؤسسه به جامعه علمی تقدیم شده است. در سال ۱۳۴۴ کتاب

فراهم آورده و منتشر سازم و گردآوری این مقالات در زمان حیات استاد انجام گرفته بود، اما با رحلت ایشان، چند سال وقفه ایجاد شد ...».

اما هر کس که این مجموعه را بخواند نه تنها این خصیصه ایران دوستی را در زنده‌یاد مرتضوی خواهد یافت، بلکه عشق نویسنده مقالات به فرهنگ، زبان، شعر، ادبیات و مردم این مرز و بوم در دل و روح او نیز تأثیر خواهد کرد و عشق والایی که در همه صفات این کتاب موج می‌زند و آنچه نثر دکتر مرتضوی را دل‌نشین کرده و بین او و خواننده نزدیکی و تفاهم پدید می‌آورد، از یک طرف صراحت لهجه اوست و از جانبی دیگر لحن دوستانه و پرنایف و تواضع‌آمیز ایشان، فروتنی عالمانه و انصاف و حق‌پذیری او در مقالاتش، خوانندگان را با دوستی صمیمی روبرو می‌گرداند که هر چه دارد در طبق اخلاص نهاده و بدو عرضه می‌کند. گویی از پس قرن‌ها خاقانی بار دیگر برخاسته و با استادی خاص سخن می‌گوید که شهر طغان عقل را او نایب است و نوعروس فضل را صاحب، چراغ دانایی اوست و دیگران روز کوران هوا.

برخی از این مقالات سخنرانی‌های استاد به مناسبت‌هایی است و بعضی به صورت مقاله در نشریه دانشکده ادبیات تبریز در سالیان دور به چاپ رسیده است. کتاب حاضر به صورت موضوعی در هفت بخش تنظیم شده است.

بخش اول (مطالعات تاریخی و تحقیقات ایرانی): اولین مقاله این بخش با عنوان «کیفیت استفاده از منابع ادبی برای مسائل تاریخی» مشتمل بر متن سخنرانی آقای دکتر در نخستین کنگره جهانی ایران‌شناسان در سال ۱۳۴۵ است. در مقاله بعدی مبانی ملیت ایرانی و سهم آذربایجان در آن تحلیل شده است. «خلاصه تاریخ آذربایجان از دوره ماد تا عصر مشروطیت» مقاله بعدی است و در آخرین مقاله این بخش نیز آثار و شیوه شیخ اشراق بررسی شده است.

بخش دوم (حافظ‌شناسی): «تأثر حافظ از سعدی» عنوان اولین مقاله این بخش است که دکتر مرتضوی بسیار دقیق، علمی و مفصل این موضوع را واکاوی کرده است. در مقاله «نقش برآب» شرح چندین بیت از اشعار حافظ ارائه شده است. در ملاقات مورخ اول آبان ۱۳۳۸ دکتر مرتضوی با دانشمند ایران‌شناس، آقای بازیل نیکیتین اظهار داشتند که نزدیک به سی جلد از کتاب‌های مرحوم علامه میرزا محمدخان قزوینی در اختیار ایشان است و این کتاب‌ها را خانم سوزان قزوینی دختر مرحوم قزوینی که همسایه آقای نیکیتین بوده به ایشان اهداء کرده است. در این مجال دکتر مرتضوی یادداشت‌هایی را که مرحوم قزوینی بر کتب مختلف (از جمله: تاریخ بیهقی، دیوان خاقانی شروانی، زین الاخبار گردیزی، سی فصل شیخ عطار و...) نوشته‌اند، به دلیل اینکه حاوی نکات مفید و دقیقی بوده منتشر کرده‌اند.

بخش سوم (مولوی‌پژوهی): در این بخش دو مقاله ارائه شده است

«مکتب حافظ یا مقدمه بر حافظ‌شناسی» را منتشر کرد. این کتاب پس از گذشت چندین دهه هنوز از کتاب‌های مرجع و مورد استناد در زمینه شناخت حافظ و شعر اوست. از دیگر آثار ایشان می‌توان به: چراغ نیمه مرده: مجموعه شعر (۱۳۳۳)، تحقیق درباره دوره ایلخانیان (۱۳۴۱)، زبان دیرین آذربایجان (۱۳۶۰)، فردوسی و شاهنامه (۱۳۶۹)، مسائل عصر ایلخانیان (۱۳۷۰) و ... اشاره کرد.

در دوازدهم شهریور ۱۳۵۶ مسئولیت ریاست دانشگاه آذربادگان آن زمان را به عهده می‌گیرد و بیشتر دانشجویانی که در آن برهه زمانی در آن دانشگاه تحصیل می‌کردند، اذعان می‌نمایند که آن روزها از برجسته‌ترین و درخشان‌ترین روزهای دانشگاه از حیث تحقیق و تفحص پویایی علمی بود. در سی‌ام اردیبهشت ۱۳۵۷ به دلیل اعتراض به هجوم گارد به ساحت دانشگاه از سمت ریاست دانشگاه استعفا کرد و پس از پیروزی انقلاب به دلیل انکسار مزاج کرسی تدریس خود را در دانشگاه تعطیل کرد، ولی در ۳۲ سال از تحقیق و پژوهش دست نکشیده بود. ایشان در صبح روز چهارشنبه نهم تیرماه سال ۱۳۸۹ در تبریز دعوت حق را لبیک گفت و در مقبره الشعرا تبریز و در کنار بزرگان ادب پارسی آرام گرفت.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی به پاسداشت ایشان کتاب «ارمغان منوچهر مرتضوی» را منتشر ساخته است. همچنین کتاب «سایه سرو سهری: یادنامه دکتر منوچهر مرتضوی» در سال ۱۳۹۱ توسط دانشگاه تبریز و انتشارات ستوده در پنج بخش درباره استاد، شعر، مقالات اهدایی، سخنرانی، اسناد و تصاویر تنظیم شده است. این یادنامه به خواستاری و اشراف سیدمحمدتقی علوی و اهتمام محمد طاهری خسروشاهی در بیش از هشتصد صفحه تدوین و منتشر شده است.

معرفی اثر

محمدتقی سبکدل در مقدمه کتاب درباره مقالات و آثار استاد چنین می‌نویسد: «... اما در مورد چاپ این کتاب که شامل مجموعه مقالات استاد دکتر مرتضوی می‌باشد، یادآوری این نکات ضروری است که متأسفانه هنوز مجموعه‌گاملی از مقالات و نوشته‌های گوناگون استاد مرتضوی در دست نیست تا او چنان که هست شناساند و جنبه‌های مختلف کارش را معرفی کند، تا جایی که بنده اطلاع دارم زنده‌یاد دکتر منوچهر مرتضوی یک بار به فکر افتاد که آثار و مجموعه مقالات خود را به چاپ برساند، ولی انکسار مزاج استاد به او مجال نداد تا مجموعه مقالات را به زیور طبع برساند و بدین روی لازم بود که حاصل زحمات قلمی این مرد که از فرزندان لایق این آب و خاک است از پراکندگی رهایی یابد و به صورت آبرومندی در حد شأن و منزلت استاد مرتضوی در اختیار دوستداران ادب و فرهنگ ایران زمین قرار گیرد، بدین منظور راقم این سطور در راه گردآوری مقالات استاد کوشیده‌ام و تاکنون توانسته‌ام تا حدودی مجموعه مقالات ادبی، تحقیقی، ملی و ... را

جفاکاری ندارند و از نامهربانی‌ها و بی‌اعتنایی‌ها در هم می‌ریزند و زود می‌شکنند...».

آنس معنوی استاد با دیوان سترگ خواجه شیراز، غزلیات شورانگیز مولانا و حماسه ماندگار فردوسی به ایشان بصیرتی عمیق بخشیده بود، چنان که باید ایشان را از حافظ شناسان بزرگ، مولوی پژوهان برجسته و فردوسی‌شناسان کم‌نظیر دوره معاصر قلمداد کرد. این جامعیت ادبی و علمی، در روزگار ما دکتر مرتضوی را از نادره‌کاران کرده است.^۱

امرسون شاعر رمانتیک و عارف مسلک آمریکایی که کلام نغز «اگر انسان از صمیم قلب عادل باشد، آنگاه به خدا نزدیک است» را از او به یاد دارم گفته: «اگر خواهی که نامت پس از مرگ از خاطرها نرود، یا کاری کن که شاینده‌ی نوشتن باشد، یا نوشته‌ای از خود بگذار که به خواندن بیارزد».

که در اولین مقاله با عنوان «تحلیل یکی از تمثیلات مثنوی» به تحلیل تمثیل شیرو و نجوان در مثنوی پرداخته شده است. البته قبل از ورود به این بحث، طرز خاص استنباط و استنتاج از قصص و تمثیلات مثنوی توضیح داده شده است. در مقاله بعدی نیز «عشق از نظر مولانا جلال‌الدین» بحث شده است.

بخش چهارم (بزرگداشت مفاخر): دکتر مرتضوی به پاس مفاخر معاصر خود قلم زده است. در این بخش چهار مقاله با موضوع بزرگداشت مفاخر ارائه شده است. اولین مقاله «مرگ انیشتین» نام دارد. انیشتین در نوزده آوریل ۱۹۹۵ (۱۳۳۴ شمسی) چشم از جهان پوشید که دکتر مرتضوی در بزرگداشت مقام این نابغه قرن بیستم، مقاله کوتاهی درباره زندگی و دیدگاه‌های وی نگاشته است. دومین مقاله به «یان ریپکا»، ایران شناس بزرگ و نامدار چک اختصاص دارد. یان ریپکا بیش از پنجاه سال از عمر خود را صرف تحقیق و تتبع و مطالعه درباره ادبیات شرق به خصوص ایران کرد. مشهورترین و مهم‌ترین اثر ریپکا کتاب «تاریخ ادبیات ایران» است. مقاله بعدی «مقام استاد بدیع‌الزمان» نام دارد که در سال ۱۳۴۹ در سوگ استاد فروزانفر نگاشته شده است و آخرین مقاله این بخش به استاد خیام‌پور اختصاص دارد.

بخش پنجم (تحقیقات ادبی): در این بخش ابتدا لهجه‌شناسی زبان فارسی از روی متون سده دهم و یازدهم میلادی بررسی شده است. سپس در مقاله‌ای با عنوان «آرزوی پیران»، نکات بسیار مفیدی در خصوص تاریخ بیهقی و بخش گمشده آن، یعنی تاریخ محمودی ارائه شده است.

بخش ششم (دانشگاه): در این بخش تاریخچه دانش و دانشگاه در آذربایجان بررسی شده است و سرمقاله ایشان به مناسبت بیست سالگی نشریه دانشکده ادبیات تبریز نیز آورده شده است.

بخش هفتم (دستور زبان فارسی): در این بخش «چند پسوند» در زبان فارسی بررسی شده‌اند. از جمله پسوند -ور، -وار، -ناک و در نهایت نیز چند تصویر از استاد مرتضوی در انتهای کتاب آورده شده است.

سخن پایانی

دکتر محمدعلی موحد درباره استاد مرتضوی چنین می‌گوید: «مرتضوی گذشته از مقام علمی و استادی که داشتند به لحاظ فضایل اخلاقی، تقوا و وارستگی در میان امثال و اقران ممتاز بود و آدم‌هایی از قبیل او در برابر جفایی که بر آنان می‌رود بسیار حساس هستند. آری سعدی گفته است: «خرقه درویشان جامه رضاست. هر که در این کسوت تحمل بی‌مرادی نکند، مدعی است و خرقه براو حرام». اما مولانا در این باره واقع بین‌تر از سعدی سخن گفته و بر حساسیت و زودرنجی این بزرگان تأکید می‌نهد و فاش می‌گوید که آنان انتظار بی‌مه‌ری و

۱. علوی، سیدمحمدتقی؛ «میراث‌بان سخت‌کوش»؛ در سایه سرو سبزی (یادنامه دکتر منوچهر مرتضوی)؛ تبریز: ستوده، ۱۳۹۱.

برداشت مسلمانان از عدالت

برداشت مسلمانان از عدالت؛ مجید خدوری؛ ترجمه مصطفی یونسی و صمد ظهیری؛ قم: دانشگاه مفید، ۱۳۹۴



که برای تعادل و توازن تفکر معتزله و حنبلی‌ها می‌شود بررسی شده است. شروع‌کننده این جریان، اشعری، شاگرد باهوش و کنجکاو درس کلام

در مکتب معتزله بود که بعد

از کنار گذاشتن باورهای اعتزالی خود توانست تسنن را بر پایه درست‌تر و قابل دفاع‌تری بگذارد و اثبات کند وحی با عقل همخوانی دارد. در بخش سوم درباره عدالت به مثابه جلوه تلاش انسان به مثابه آموزه کسب می‌پردازد. آموزه کسب با وجود مبهم بودن توانست رویکرد اتکای اهل تسنن بروحی را محکم‌تر کند که براساس این آموزه انسان در برابر اعمالی که خدا برای او خلق کرده مسئول شناخته می‌شود. در بخش چهارم مؤلف به نظرات متفکران شیعی در باب عدالت می‌پردازد و سه متفکر از قرن ۴ تا ۱۲ق ابن بابویه، حلی و مجلسی را به عنوان سازمان دهندگان آموزه‌های شیعی معرفی می‌کند. در بخش بعدی به عدالت از نظرگاه صوفیان پرداخته می‌شود. صوفیان شکل و محتوای عدالت را رد کرده و با تماس مستقیم با خداوند سعی نمودند تا عدالت الهی را از طریق مراقبه و انجام اعمال معنوی بدون واسطه معنا کنند.

فصل چهارم عدالت فلسفی را بررسی می‌کند که در بخش اول از «کندی» و نظریات او که بیشتر از آنکه معتزلی باشد، با آنها اختلاف عقیده دارد صحبت می‌شود. کندی فیلسوف قرن دوم هجری است که با خط تفکری مستقل، براین نظر است که انسان در پرتو درک خود از حقیقت می‌تواند عدالت را بیورد. در ادامه به معرفی فلسفه فارابی می‌پردازد و می‌گوید فارابی سعی دارد فلسفه را با دین هماهنگ کند. وی فیلسوفی است متأثر از افکار دینی افلاطونی و نوافلاطونی که متمایل به تفکر صوفیانه است. فارابی به مباحث اجتماعی، سیاست و حکومت می‌پردازد و قوای اجرایی تقنینی و قضایی را در ارتباط با اجرای عدالت واکاوی می‌کند.

فصل اول: فصل اول مقدمه‌ای است کوتاه که ابتدا منابع عدالت و معنای لغوی عدالت و ایده عدالت در قرآن و سنت را توضیح می‌دهد و بعد در مورد دامنه و روش کتاب می‌گوید. قصد نویسنده این است که روش‌های آرمان‌گرایانه را همراه با واقع‌گرایی همزمان ترسیم کند و فقط به هنجارها و ارزش‌ها به صورت انتزاعی نپردازد.

فصل دوم: نویسنده به بحث آموزه‌های جبر و اختیار که قدیمی‌ترین و پرچالش‌ترین بحث مسلمانان از صدر اسلام تا کنون است می‌پردازد که از بحث میان امویان و مخالفانشان که طرفدار نظریه جبر بودند و از قدر در مقابل مخالفانشان دفاع می‌کردند گفته می‌شود. در واقع آنان عدالت سیاسی اموی با آموزه تقدیر را یکسان و خود را مجری عدالت الهی می‌دانستند و نیز مستحق عدالت. در ادامه دیدگاه‌های جبرگرایان و قدرگرایان مثل «حسن البصری» بررسی می‌شود که می‌خواست بین عدالت سیاسی و اخلاقی خط تمایز ترسیم کند.

فصل سوم در مورد عدالت کلامی و عدل الهی و اختلاف نظر علما درباره اینکه عدالت جلوه اراده و قدرت خداوند است یا ذات و کمال اوست بحث می‌شود. انشقاق مسلمین به دو مکتب عقلی و نقلی آغاز می‌شود که البته دغدغه آنها سیاسی است، نه کلامی. نمو آنها همزمان با پاگرفتن عباسیان بود که برای مشروعیت بخشیدن به حکومتشان، آمد و شد متکلمان و فقها به دربار را شایع کردند. این مکتب به طور قوی در زمان مأمون به نام «معتزله» ظهور کرد و در زمان متوکل فروکش کرد. این بخش نیز به برداشت این دو گروه از عدالت می‌پردازد.

در بخش اول این فصل به بررسی عدالت از نظر معتزله پرداخته می‌شود که به دیدگاه‌های «حسن بصری» نزدیک بود که می‌گفت انسان بانی اعمال خویش است و مسئولیت نسبی انسان را می‌پذیرد و براین نظر است که عدالت الهی جلوه ذات خداوند است، برخلاف جبرگرایان که معتقد بودند عدالت جلوه اراده خداوند است.

در بخش دوم مخالفت احمد بن حنبل با نظریات معتزله و تلاش‌هایی

مذهب دارد و هر دو مظاهر اراده و عدالت خداوند محسوب می‌شود. این فصل شامل بخش‌های زیر است: در بخش اول نویسنده در پی واکاوی نسبت میان شریعت (که همان مصلحت معرفی شده است) و عدالت است و نظریات «مالک» و «غزالی» را در این مورد تبیین می‌کند و از رهگذار این بحث به مفهوم آزادی می‌رسد.

در بخش دوم عدالت رویه‌ای است که مؤلف آن را وجه بیرونی و خارجی شریعت تعریف می‌کند که در این بخش ارکان بیرونی اجرای عدالت و ابزار آن، یعنی قاضی، شاهد و طرفین دعوا بررسی می‌شود.

در بخش سوم به تلاش حکومت‌ها از جمله حکومت عباسی برای رفع ناهمخوانی‌های موجود در اجرای عدالت در دادگاه‌های مختلف و هماهنگ کردن آنها با فرامین صادره از جانب حکومت می‌پردازد و نیز به بررسی آرا مخالف و موافق.

در بخش چهارم نگارنده در صدد است نسبت ترکیب و کارکرد مجالس مظالم را با عدالت شرعی بررسی کند و اینکه سابقه تشکیل قاعده یا نهادی را که برای راهنمایی قضات ایجاد شده از قرن سوم بازگو کند. اشکالات، کاستی‌ها و ناکافی بودن برخی قوانین موجب این تلاش‌ها شده است و نیز تلاش علما برای حفظ شریعت در مقابل احکام رسمی حکومت بوده است.

فصل هفتم: در این فصل به عدالت میان ملل و نظم عمومی حاکم بر جهان که مطابق با عدالت در دنیا استوار می‌شود پرداخته می‌شود و اسلام که ترازوی عدالتش بر اساس عدالت و اراده خداوند تعیین می‌شود و جماعت اسلامی عامل و مسئول عدالت خداوندی است. مؤلف در بخش‌های پنج‌گانه، نوع روابط جامعه اسلامی یا به قول مؤلف، دارالاسلام در خود جامعه و با جوامعی که دارالحرب نامیده شد می‌پردازد. جامعه اسلامی قوانین رابطه با کشورهای دیگر را بر اساس شاخه‌ای از شریعت تنظیم می‌کند و هدفش که همان نشر عدالت اسلامی است را به منصفه ظهور می‌رساند. در بخش بعدی به جهاد به عنوان تلاش مسلمین به هر نحو و هر نوعی گفته می‌شود که مورخین به هر وسیله تلاش و سعی نمایند تا کلام خداوند را گسترش دهند؛ این جهاد می‌تواند با شمشیر باشد یا بدون آن. در ادامه دستورالعمل شریعت در روابط میان مسلمانان با غیرمسلمانان توضیح داده می‌شود.

در بخش چهارم درباره به چالش کشیدن آموزه اولیه و کلاسیک جهاد توسط علمایی چون «ابن تیمیه» صحبت شده است که کفاری که قصد تجاوز به دارالاسلام را ندارند، هدف اسلام نبوده و با زور نباید شریعت و مذهب را بر آنها تحمیل نمود. در بخش آخر در مورد جنگ مذهبی و غیرمذهبی بحث می‌شود. مؤلف بر دوره خلفای عباسی تمرکز می‌کند و مشروع بودن یا مشروع نبودن امر خلفا و سلاطین در امر جهاد را به طور مختصر بررسی کرده است.

در بخش بعدی به بررسی نظریه «ابن سینا» در باب عدالت می‌پردازد که به مسئله چگونگی ایجاد مدینه فاضله و به قرارداد اجتماعی بین شهروندان معتقد است و به نقش پیامبرگونه حاکم که هم شخصیت اخلاقی و هم اقتدار الهی را توأمان داراست.

بخش بعدی عدالت عقلانی به مثابه عدالت طبیعی است. این بخش به معرفی تلاش‌های سه فیلسوف سرزمین‌های غربی جهان اسلام، «ابن باجه» «ابن طفیل» و «ابن رشد» اختصاص دارد که برای پیشبرد و رونق فلسفه به هماهنگی میان عقل و وحی پرداختند. ابن رشد تحت تأثیر افلاطون و ارسطو بر این نظر است دوام و بقای عدالت وابسته به حاکمی است که بر سرنوشت کشور ریاست می‌کند.

فصل پنجم درباره عدالت اخلاقی است که مطابق با معیار رفتار و عمل انسان تعیین می‌شود. در بخش اول مؤلف به اختلاف و دعوای دو تن از خوارج بر سر اراده خداوند و نسبت دادن و نسبت ندادن شربه خداوند می‌پردازد که باعث ایجاد دو مکتب فکری «اهل قدر» و «اهل جبر» می‌شود.

«حسن بصری» طرفدار نظریه قدر بر این باور است که خداوند به همه انسان‌ها فرمان می‌دهد که از معیار اخلاقی عدالت پیروی کنند، اما اعمال اخلاقی فردی را مقدر نمی‌کند، پس هر انسانی مسئول خطا و اشتباه خویش است. در ادامه به نظریه اخلاقی و متفکران آن در قرون ۵ و ۶، «مسکویه» «غزالی» «طوسی» و «رازی» پرداخته می‌شود. عدالت اخلاقی، نه فقط وظیفه انسانی است، بلکه تعهد و گرایش به خوبی‌ها نیز معرفی شده است. مسکویه در تلاش بود که دسته‌بندی‌های فلسفه یونانی را در بستر اسلامی بازسازی کند و غزالی که با سود جستن از فلسفه اخلاق یونان و تجربه زندگی زاهدانه در پی آمیختن روش‌های عقل و وحی و تصوف برمی‌آید. نیز در این فصل دیدگاه‌های رازی که تنها عقل را چاره‌گشا می‌داند بررسی می‌شود. وی وجهی برای وحی نمی‌پذیرد و بر این نظر است که وحی معیار تمایز بین اعمال عادلانه و ناعادلانه را ارائه نمی‌کند. نظریه طوسی هم در زمینه عدالت اخلاقی بر مفهوم اساسی توازن و یگانگی تأکید دارد.

در بخش بعدی از نویسندگان که رسائل را برای راهنمایی مردم و حاکمان می‌نوشتند صحبت می‌شود، مؤلفان نصیحت الملوک‌ها که یا تجارب خود را مایه کار قرار داده‌اند یا سخنان علمای پیش از خود را. در این بخش از «ابن حزم» گفته می‌شود. وی امید داشت الگوی رفتاری که همان شأن و منزلت انسانی بر پایه خرد و دانش و دین است را اصلاح و بازگویی نماید. در بخش بعدی از «مغربی» فرزند وزیر و «ابوالحسن ماوردی» گفته می‌شود که با نوشتن نصیحت الملوک از تجارب شخصی خود برای حاکمان زمان خود سخن می‌گفتند.

فصل ششم: عدالت شرعی یا قانون در اسلام، ارتباط تنگاتنگی با

می‌شود. رویارویی جهان اسلام و جامعه غربی باعث شد که مسلمانان با مسئله اقتباس معیارهای غربی درباره عدالت به دو مکتب فکری تقسیم شوند: «مکتب احیاگران» یا «بنیادگرایان» که معیارهای غربی را بر نمی‌تابند و دسته دوم کسانی هستند که از پذیرش معیارهای غیرمذهبی غرب دفاع می‌کنند؛ گرچه برخی از اندیشمندان از پذیرش همه عناصر خارجی به طور یکجا اکراه داشتند و هیچ‌کدام از آنها نیز نتوانستند رضایت خاطر جامعه را فراهم آورند. در ادامه به نظریات اندیشمندان معاصر مثل عبده اشاره و درباره اتفاقاتی که در عثمانی رخ داد گفتگو می‌شود. سپس به قوانین مربوط به عدالت حقوقی قانون مدنی، قانون احوال شخصی و قانون مجازات برای توضیح روش‌هایی که درصددند معیارهایی برای برآوردن نیازهای جامعه طراحی شده‌اند توضیح داده می‌شود. در بخش بعدی نویسنده به رویارویی و کشمکش میان طرفداران اقتباس از قوانین جامعه غربی و مخالفانشان می‌پردازد و جامعه اروپایی را با جامعه اسلامی مقایسه می‌کند که آیا می‌توان یکسره از این قوانین تبعیت کرد یا خیر.

تازه‌های نگارش و نشر

شیرین احمدی

معرفی اجمالی

تاریخ ترجمه در ایران از دوران باستان تا پایان عصر قاجار

تاریخ ترجمه در ایران از دوران باستان تا پایان عصر قاجار؛ عبدالحسین آذرنگ؛ تهران: ققنوس، ۱۳۹۴



بوده‌اند که از بین رفته است.

ترجمه در عصر هخامنشیان:

زبان فارسی باستان در آن عصر زبان گفتاری بخشی از ایران، زبان دربار شاهی، زبان نخبگان و خاندان‌های

حکومت‌کننده بود که در زمان داریوش اول به زبان نوشتاری تبدیل و به کمک الفبای میخی نوشته شد. پدیده چندزبانی در دستگاه هخامنشی راه یافت. گزینش سه زبان از میان زبان‌های پرشمار در امپراتوری هخامنشی، یعنی زبان آرامی، ایلامی و فارسی باستان برای ثبت کردن رسمی رویدادهای تاریخی، نشانگر جایگاه تمایز آن زبان‌ها در آن عصر است.

در عصر سلوکیان پدیده چندزبانی در جامعه آن روز پدیدار شد و

فصل هشتم: در این فصل نویسنده از عدالت اجتماعی سخن می‌گوید و تلاش متفکران از «ابن خلدون» گرفته تا «طرطوشی» و «ابن تیمیه» که وحی را کافی نمی‌دانستند و می‌خواستند با روش‌هایی استقرایی نظریه‌های اجتماعی و سیاسی را عمیق‌تر و وسیع‌تر به کار ببرند. در بخش بعدی ارتباط شریعت و عدالت اجتماعی بررسی می‌شود. تلاش‌های اندیشمندان برای نظریه‌سازی درباره عدالت اجتماعی و اصلاح حقوق خانواده و نیز وظیفه حکام در برقراری عدالت سیاسی بررسی می‌شود. در بخش بعدی به مفهوم عدالت اجتماعی در آراء ابن خلدون پرداخته می‌شود که بعدها در نیمه دوم زندگی خود اهمیت شریعت در اصلاح اوضاع اجتماعی و جلوگیری از انحطاط و زوال جامعه از طریق مشارکت اجرای عدالت را دریافته باشد. در ادامه به آراء ابن رزاق پرداخته می‌شود. وی ترجیح می‌داده حاکمان را ترغیب کند تا جلوی بی‌عدالتی را بگیرند و عدالت را بیش از رویه قضایی از طریق فرآیندهای اجرایی و اداری ارتقا بخشند.

فصل نهم: تحول مفهوم عدالت در شرایط مدرن. در این فصل به راه پیدا کردن عناصر خارجی عدالت به سیاست اسلامی پرداخته

کتاب حاضر به سه بخش تقسیم می‌شود که نویسنده در هر بخش به تاریخ آن دوره و ترجمه‌های متعدد آن دوره پرداخته است.

بخش نخست ترجمه در ایران باستان: شواهد تاریخی فرهنگ‌های جهان گواه بر آن است که همه طوایفی که زبانشان یکی نبوده است، از زمانی که با هم داد و ستد کالا داشته‌اند و به تبع آن مبادله فرهنگی هم می‌کردند و این مبادلات بدون ترجمه امکان‌پذیر نبوده است.

ترجمه در عصر مادها: از زمان مادها سندی کتبی به جای نمانده و تنها شماری واژه مادی شامل نام کسان و مکان‌ها و طایفه‌ها در نوشته‌های آشوری، بابلی، یونانی، کتیبه‌های هخامنشی، الواح بابلی و اسناد آرامی بر جای مانده است. با اینکه سند نوشتاری از مادها به دست نیامده است، اما در این عهد پیمان‌های سیاسی متعددی میان مادها و دیگر سران کشورهای مجاور از جمله شاه بابل منعقد شده است و همین امر بیانگر این نکته است که آنها دارای منابع نوشتاری

جزابوریحان بیرونی که با چند زبان آشنا بود و از سانسکریت به عربی و فارسی ترجمه می‌کرد، دیگر مترجمان فقط از یک زبان به زبانی دیگر و برای مثال از عربی به فارسی ترجمه کرده‌اند.

ترجمه در عصر مغولان، ایلخانان، تیموریان: پس از استقرار مغولان در ایران، اسناد دیوانی آنها به زبان مغولی بود، اما نامه‌هایی که برای کشورهای دیگر می‌فرستادند با ترجمه همراه بود. در دبیرخانه‌ای که در دستگاه دیوانی تشکیل داده بودند، شماری از پناهندگان از ایران و جاهای دیگر به خدمت گرفته شده بودند و وظیفه ترجمه پیام‌های حکومتی را برعهده داشتند. ایلخانان افزون بر مغولی، زبان فارسی و ترکی را می‌فهمیدند. مشهورترین مترجم این عصر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است که کتاب‌های متعددی را به فارسی برگرداند. یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های وی جامع التواریخ یا تاریخ رشیدی است. با فتوحات بی‌شمار امیر تیمور و گسترش امپراتوری وی، ارتباط با کشورهای همجوار مذاکرات و مبادلات اجتناب‌ناپذیر بود. در این دوران با توجه به مبادلات بازرگانی ترجمه به زبان چینی، اسپانیایی، عربی، ایتالیایی و پرتغالی گسترش یافت.

ترجمه در عصر صفوی: ترجمه در این دوران نه تنها از رونقی متناسب با شرایط روزگار خود برخوردار نشد، بلکه در مقایسه با دوره‌های پیشین به گونه‌ای محسوس تنزل یافت. ترجمه شفاهی و حضوری و ترجمه مکاتبات سیاسی، به سبب روابط گسترده سیاسی، رواج بسیار یافت. ایرانیان سفر کرده به اروپا سنت یادداشت‌برداری و انتشار آن را نداشتند، اما سیاحان اروپایی که به ایران سفر می‌کردند، یادداشت‌هایی دقیق برمی‌داشتند و نوشته‌های خود را انتشار می‌دادند. نوشته‌هایی که اکنون شماری از آنها از مهم‌ترین منابع مطالعه این عصر است. پدیده چندزبانی و دانستن زبان‌های دیگر جز زبان مادری در دربار صفوی رایج بود و دربار و دیوان به طور روزمره به ترجمه شفاهی از چند زبان نیاز داشت.

ترجمه فارسی در شبه‌قاره: با مهاجرت ایرانیان به شبه‌قاره در اوایل قرن هفتم به بعد زبان فارسی در آنجا رایج شد و در نتیجه آثار بسیاری به زبان فارسی تألیف یا ترجمه شدند. با پشتیبانی تنی چند از فرمانروایان شبه‌قاره از این فعالیت‌های ادبی، بازار ترجمه و تألیف رونق یافت و این فعالیت‌ها به جنبشی انجامید که یکی از آثار آن ترجمه شماری از آثار از هندی به فارسی بود.

ترجمه در عصر افشاری و زندیه: جامعه ایران در این دوره مهم به سبب گرفتاری‌های اقتصادی و اجتماعی و برقرار نبودن مناسبات سیاسی پایدار، با جوامع در حال تحول غرب تماسی نداشت. کوشش‌های کریم‌خان زند تنها در عرصه معماری، ادب و هنر و فرهنگ بود. از جزئیات ترجمه در ارتش و در فعالیت‌های بازرگانی در عصر افشار اطلاع دقیقی در

فرهنگ تازه‌ای شکل گرفت. زبان یونانی به عنوان زبان میانجی در مبادلات به کار گرفته شد. تأثیر روند یونانی‌مآبی بر ترجمه نکته‌ای است که اطلاعات درباره آن به قدری ناچیز است که نمی‌توان به نتیجه‌ای قطعی دست یافت. در عصر اشکانی از حدود سده دوم پ. م. اسناد دولتی را به زبان پارسی، اما به خط آرامی می‌نوشتند. اسناد از زبان پارسی و خط آرامی گامی آشکار در دور شدن از نفوذ یونانی بود. شاهان اشکانی افزون بر زبان یونانی، زبان لاتینی نیز می‌آموختند یا با این زبان آشنایی داشتند. زبان رایج در عصر اشکانی، پهلوی اشکانی یا پارسی بود، اما از این زبان نوشته ادبی یا نوشته‌ای دینی به ما نرسیده است. آثار به جا مانده از آن زمان بیش از چند کتیبه، چند چرم نوشته، شماری سفالینه و تعدادی مهر و سکه نیست. شفاهی بودن ادبیات اشکانی به معنای فقدان ادبیات در آن روزگار نیست. پدیده چندزبانی در عصر ساسانی هم رایج بود و چندین کتیبه از این عصر بر جای مانده که معمولاً دو یا سه زبانه‌اند. زبان رسمی این عصر، پهلوی ساسانی بود که با نام «فارسی میانه» از آن یاد می‌شود. شاپور یکم ساسانی برای استفاده از دانش اسیران رومی، دستور داد برای جای دادن آنها شهر تازه‌ای را به نام گندی شاپور در خوزستان بنا کنند. این شهر به مرور زمان به یکی از مراکز اصلی فعالیت‌های علمی و آموزشی در ایران عصر ساسانی تبدیل شد. جنبش ترجمه و انتقال دانش‌های مختلف از عصر شاپور یکم آغاز شد. در عصر شاپور دوم ساسانی کوشش گسترده‌ای برای ترجمه و تفسیر اوستا به زبان فارسی به کار بسته شد. اوستا به خط تازه‌ای به نام خط اوستایی نوشته شد؛ خطی که دشواری‌های خوانشی خط پهلوی در آن برطرف شده بود.

بخش دوم ترجمه در ایران پس از اسلام: پس از تثبیت حاکمیت اعراب در سرزمین‌های فتح شده، زبان عربی به عنوان زبان دین تازه، زبان سیاست، حکومت و زبان میانجی برای داد و ستد، سفر و نیز زبان علم و فرهنگ آغاز شد. اطلاعات درباره ترجمه قرآن در سده‌های یکم تا آخر قرن سوم بسیار اندک است. کهن‌ترین قرآن ترجمه شده از عربی به فارسی، ترجمه تفسیر طبری است که به نظر بسیاری نخستین ترجمه قرآن به فارسی است که در قرن چهارم به دستور منصور بن نوح سامانی انجام شد.

ترجمه در سده‌های سوم و چهارم: در این عصر زبان فارسی میانه از عمده‌ترین زبان‌های ترجمه آثار به زبان عربی و زبان انتقال فرهنگ و تمدن بوده است. بر پایه آثار به جا مانده ترجمه را از زبان عربی به فارسی از عصر سامانی دنبال کرد. منظور از ترجمه در این عصر بیشتر به معنای شرح، بیان و تفسیر بود.

ترجمه در سده‌های پنجم و ششم: این سده‌ها دیگر عصر شکوفایی فعالیت‌های علمی و ادبی نبود و به دلیل حمله مغول به ایران افول تدریجی را در همه عرصه‌ها می‌توان دید. آثاری که در این سده‌ها به فارسی ترجمه شده است، نه تنها زیاد نیست که بسیار اندک است.

شمار می‌آمد. یکی از تأثیرگذارترین نهادها در تاریخ ترجمه در ایران و در روند ترجمه در دوران معاصر دارالترجمه ناصری است. تشکیلاتی که تحت نظارت محمدحسن اعتمادالدوله قرار گرفت و وزارت انطباعات نام گرفت. یکی از مهم‌ترین کارهای این وزارت در زمینه ترجمه بود.

ترجمه در عصر مظفری: دارالترجمه ناصری و مدرسه دارالفنون در این دوره رو به افول نهاد و به سبب نیاز به تربیت شدن متخصص و کارشناس، دو مدرسه عالی تأسیس شد که در آنها چند استاد خارجی تدریس می‌کردند و دانشجویان در این مدارس زبان فرانسوی را می‌آموختند؛ یکی مدرسه علوم سیاسی و دیگری مدرسه فلاح مظفری.

ترجمه در پایان عصر قاجار: کشمکش‌های سیاسی در دوره حکومت محمدعلی میرزا که با تنش‌های اجتماعی و بسیاری از نابسامانی‌های دیگر در بیشتر ولایات همراه بود، امکان حمایت دولتی از فعالیت‌های فرهنگی را به حداقل رساند. در این دوره بیشتر از چند کتاب به فارسی ترجمه نشده است. در دوره حکومت احمدشاه آثار اندکی چاپ شده است و بررسی آنها نشان می‌دهد که در گزینش آنها برای ترجمه، کم و بیش همان گزینش‌های پیش از مشروطه حاکم بوده است، نه گزینشی که در دوره جنبش و مشروطه بروز کرد و در حال شکل‌گیری بود.

دست نیست و احتمالاً از شیوه‌های شناخته شده و به کار رفته در عصر صفوی پیروی می‌شد. نادرشاه به ترجمه متون مقدس به زبان‌های فارسی توجه خاص نشان داد.

بخش سوم: ترجمه در عصر قاجار: ترجمه سازمان یافته در عصر فتحعلی شاه قاجار آغاز شد. عباس میرزا ولیعهد وی با کمک مشاورانش، به اهمیت منابع فرهنگی و ترجمه آنها به فارسی پی برده بودند. منابعی که در دوره وی به فارسی ترجمه شده است دو دسته است: ۱. منابعی که به دستور مستقیم وی به فارسی ترجمه شد. ۲. منابعی که شماری از ایرانیان درس خوانده در خارج به فارسی ترجمه کردند. سیاست ترجمه دولتی در زمان محمدشاه در ادامه سیاست ترجمه در دوره عباس میرزا بود.

ترجمه در عصر ناصرالدین شاه: عصر ناصری با جنبش ترجمه در عصر ساسانی یا سامانی وجوه اشتراکی دارد، اما ویژگی‌هایی که در جنبش ترجمه در عصر عباس میرزا و در عصر ناصری دیده می‌شود، به ویژه اهداف آن که اقتباس و استحکام بخشیدن به بنیه فرهنگی و تقویت کردن آن نبود، بلکه تبدیل کردن جامعه به جامعه‌ای دیگر بود که در دوره‌های دیگر به چشم نمی‌خورد. مدرسه دارالفنون نخستین نهاد آموزشی در ایران عصر جدید بود که ترجمه از جمله وظایف لازم آن به

زهرا بختیاری

معرفی اجمالی

حدیث خداوندی و بندگی

دهقانی، محمد؛ حدیث خداوندی و بندگی؛ تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۹۴، ۵۰۴ صفحه.

تاریخ بیهقی یکی از آثار گران‌بهای نشر فارسی است که نمودار کمال دانش و هنر نویسندگی تاریخ‌نگار برجسته دربار غزنوی، ابوالفضل بیهقی می‌باشد. تاریخ بیهقی از ماهیت، ادبی، تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی و روان‌شناختی برخوردار است. کتاب «حدیث خداوندی و بندگی» کتابی است که به شرح و تحلیل، درباره این مباحث می‌پردازد.

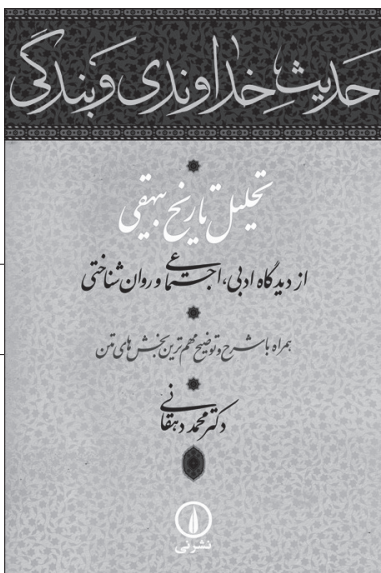
معرفی کتاب

محمد دهقانی، عضو سابق هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران است. بیش‌تر از ایشان آثاری در زمینه نقد و ترجمه وارد بازار نشر شده است. کتاب حاضر یک پژوهش امروزی با روش‌های نوین است. بخش زیادی از روش کار بر اساس نظریه اثبات‌گرایانه تاریخی است که به تاریخ بر اساس شواهد و اسناد و قرائن مکتوب نظر

دارد و از دیگر سو با رجوع به متدها و روش‌های پژوهش در تاریخ سعی شده زوایای تاریخ بیهقی کاوش شود.

کتاب از «مقدمه» و «متن اصلی» تشکیل شده است. در

مقدمه که در ۱۲۸ صفحه گرد آمده، اطلاعات مفصلی درباره مسائلی همچون: جهان در عصر بیهقی (هند، چین، اروپا)، تشکیلات کشوری و لشکری، تشریفات، روش بیهقی در تاریخ‌نگاری، زن در تاریخ بیهقی، بلاغت بیهقی و خرد و خردمندی آمده است. نیز مطالبی راجع به شخصیت‌هایی چون: بونصرمشکان، مسعود و بوسهل زوزنی از دیگر



مطالب مقدمه کتاب است.

در بخشی از مقدمه با عنوان «تاریخ بیهقی در یک نگاه»، پدیدآور به شرح و تفصیل حوادث و رویدادها به ترتیب تاریخ وقوع می‌پردازد. در پایان مقدمه نیز سال‌شمار مهم‌ترین رویدادهای تاریخ بیهقی با ذکر تاریخ قمری و شمسی آمده است تا خواننده با آگاهی از زمینه و بافت تاریخی روایت بیهقی، داستان و حکایت‌های آن را بهتر درک کند. متن اصلی کتاب در دو بخش تهیه شده است: «روزگار غزنویان» و «از روزگاران گذشته».

از جمله عناوین موجود در بخش اول که به ترتیب تاریخ وقوع به دنبال هم آمده می‌توان به عدالت سبکتگین، سپاه سالاری محمود، پایان کار سامانیان، کورکی و جوانی مسعود، مرگ محمود، ذکر بردار کردن حسنگ، تاج‌گذاری مسعود و... اشاره کرد.

بخش دوم تاریخ حوادثی را در برمی‌گیرد که از دوره‌های گذشته در تاریخ بیهقی گنجانده شده و بیهقی با مهارت و تبحری خاص آن را با حوادث و تاریخ زمان خود پیوند می‌دهد. از جمله عناوین این بخش عبارتند از: هخامنشیان (اسکندر و دارا)، ساسانیان (حکایت محبوسی بزرجمهر)، امویان (نبرد عبدالله زبیر با حجاج)، عباسیان (هارون الرشید و دو زاهد، مأمون و امام رضا، افشین و بودلف)، صفاریان (شکیبایی عمرولیث در مرگ پسرش) و سامانیان (نصر احمد و علاج خشم او).

در پایان کتاب نمایه نام‌ها و نمایه شرح واژه‌ها و عبارات پیوست شده است.

ویژگی‌های کتاب حاضر

درباره تاریخ بیهقی تاکنون کارهای تحقیقی بسیاری انجام شده است، اما آنچه که این اثر را از مابقی آثار متمایز می‌کند، ویژگی‌های منحصر به فرد این کتاب است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. **معادل‌سازی تاریخ هجری قمری به هجری شمسی:** این ویژگی را می‌توان یکی از پایه‌های اصلی تألیف این کتاب دانست. پدیدآور در سخن ابتدائی خود با خواننده، انگیزه خود از این معادل‌سازی این‌گونه بیان می‌کند:

تاریخ بیهقی همه‌جا به زبان عربی و بر اساس تقویم هجری قمری آورده است که خود موجب سرگشتگی خواننده امروزی می‌شود؛ زیرا امروزیان برای اندازه‌گیری دوری یا نزدیکی وقایع تاریخی به زمان خود، تقویم هجری خورشیدی یا میلادی را مبنای محاسبه قرار می‌دهند. به همین دلیل هر جا که لازم است در برابر تاریخ هجری قمری که آن را با حروف «ق» مشخص کرده‌ام، تاریخ هجری خورشیدی را هم با نشانه «خ» بر حسب روز و ماه و سال آورده‌ام. این کار از احساس بیگانگی و گسستگی خواننده با زمان تاریخی بیهقی می‌کاهد و به او کمک می‌کند

که درک تقویمی روشن‌تری از رویدادها داشته باشد.^۱ پدیدآورنده برای تبدیل تاریخ قمری به خورشیدی از جداول و قواعد بهره برده است که استاد احمد بیرشک در «گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله» پیشنهاد کرده است.

۲. **روشن نمودن جغرافیای حوادث و مکان‌ها:** نقشه‌های جغرافیایی در ابتدای هر متن و توضیحاتی که ذیل نام‌های تاریخی و جغرافیایی آمده به خواننده کمک می‌کند که از فضا و مکان رویدادها تصویر و تصور روشن‌تری به دست آورد.

پدیدآور در قسمت پیشگفتار در این باره می‌گوید:

برای اینکه خواننده از مکان رویدادها درکی روشن و امروزی داشته باشد، علاوه بر نقشه‌ای که ضمیمه کتاب است، نقشه‌های کوچک‌تری نیز در حاشیه برخی صفحات آمده و مکان‌هایی که در متن از آنها سخن رفته، در آن نقشه مشخص شده است. ضمناً در شرح اعلام جغرافیایی فواصل شهرها و نواحی را بر حسب کیلومتر تعیین کرده‌ام تا خواننده از جغرافیای تاریخ بیهقی تصور روشن‌تری داشته باشد.^۲

۳. **تحلیل اجتماعی، روانشناختی شخصیت‌ها:** پیشینه روانی فارغ از روانشناسی اجتماعی نیست. تحلیل روانشناختی شخصیت‌ها به نوبه خود کلیدی در فهم هر چه بهتر متن است. پدیدآور با توجه به متن و وقایع و حوادث، شخصیت‌ها را به خوبی واکاوی کرده است. برای نمونه در واکاوی شخصیت «عراقی دبیر» آورده است:

ابوالحسن عراقی در آغاز سلطنت مسعود در زمره دبیران او بود تا اینکه به تدریج ارتقای مقام یافت و به صاحب بریدی و حتی سالاری لشکر هم رسید. در تاریخ بیهقی شخصیتی جاه‌طلب، اما کم‌خرد و عیاش است. او بود که مسعود را به لشکرکشی پرهزینه و نابخردانه‌اش به آمل واداشت که حاصلی جز رسوایی و شرمساری برای سلطان غزنوی به بار نیاورد. در شعبان ۴۲۹ق / خرداد ۴۱۷خ به دست زنانش مسموم شد و مرد. (ص ۱۹۰)

و یا در مورد عبدوس چنین می‌نویسد:

از شخصیت‌های مرموز تاریخ بیهقی است. در عین اینکه عمدتاً صاحب سمتی مهم و رسمی نیست، بسیار مورد اعتماد مسعود و در همه کارها و تصمیم‌گیری‌های مهم او دخیل است. در بسیاری موارد به ویژه در موارد سزای مسعود از او در مقام مشرف و پیغام‌گزار هم بهره می‌گیرد. (ص ۱۹۱)

۱. نمونه: «و نشستن وی بر جای پدر در رجب سنه سبع و ثمانین و ثلاث مائه (۳۷۸ق / مرداد ۳۷۶خ) بود». (ص ۱۵۰)

۲. به عنوان نمونه در ذیل واژه شبورقان آمده: امروز در ولایت جوزجان افغانستان در حدود ۱۵۰ کیلومتری غرب بلخ واقع شده است. (ص ۲۶۶)

و بر خداوندان و پدران بیش از آن نباشد که بندگان فرزندان خویش را نام‌های نیکو و بسزا ارزانی دارند بدان وقت که ایشان در جهان پدید آیند. (ص ۱۶۷)
در حاشیه آمده:

۱. فرزندان بدل است برای بندگان؛ یعنی بندگان که فرزند پادشاه‌اند.

۲. مرجع ضمیر ایشان، همان فرزندان است.

پدیدآورا گذاشتن ساکن روی کلمه «بندگان» و بیان نکات دستوری، به خواننده کمک می‌کند تا خواندن به طور صحیح و به دور از اشتباه انجام پذیرد.

معنای واژه‌ها و عبارت‌ها با قید شماره در حاشیه و توضیح اعلام تاریخی و جغرافیایی در ذیل صفحات آمده تا مراجعه به آنها برای خوانندگان آسان‌تر شود.

گفتنی است که پدیدآور در این اثر هیچ دستی در اصل متن نبرده و تنها دشواری‌های متن را در حاشیه کتاب شرح داده است. نیز سعی کرده در قسمت‌هایی از متن که نسخه‌های قبلی درباره آن جوابگو نبوده‌اند، روایت خود را داشته باشد.

این یک تصویر کلی از شخصیت عبدوس است، از ابتدای تاریخ بیهقی تا انتهای آن. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، با این روانشناسی خواننده در هر کجای دیگر متن که با این شخصیت مواجه شود، درک روشن‌تری از او خواهد داشت. این امر حتی سبب می‌شود خواننده فهم بهتری از متن نیز داشته باشد.

۳. تحلیل از دیدگاه ادبی: در مورد این مهم در مقدمه به طور مفصل بحث شده است. در توضیح لغات و عبارات دشوار نیز گاه به نکات ادبی و دستوری اشاره شده است.

از دیگر ویژگی‌های بارز و ارزشمند کتاب حاضر می‌توان به خلاصه‌هایی اشاره کرد که پدیدآور در ابتدای هر متن اصلی آورده است. با توجه به فلش‌بک‌هایی که در تاریخ بیهقی مشاهده می‌شود و نیز وفور ضمائر و سردرگمی در یافتن مرجع‌ها، این امر سبب می‌شود تا خواننده با اشراف بیشتری به متن اصلی وارد شود. نیز پدیدآور هر جا که لازم دانسته. در توضیح و شرح به مرجع ضمائر اشاره کرده است.

از دیگر محسنات این کتاب حرکت‌گذاری برخی واژگان است که سبب می‌شود تا میزان اشتباه در فهم و خوانش به صفر برسد. برای نمونه:

نیره خداداد شهری

معرفی اجمالی

دستور

دستور: گنجینه گران‌مایه از خطوط علمای دوره اول صفویه؛ اصفهانی، تاج‌الدین حسین بن صاعد؛ با مقدمه محمدکاظم رحمتی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳، ۷۳۶ صفحه.

اشاره

نسخ خطی مهم‌ترین میراث تمدن اسلامی است. اگر بخواهیم برای جهانیان نمونه‌ای از تمدن اسلامی ارائه دهیم، نسخ خطی نمونه عینی این تمدن است. معرفی دین اسلام و مذهب شیعه به وسیله نسخه‌های خطی یکی از بهترین راه‌های تبلیغ محسوب می‌شود.

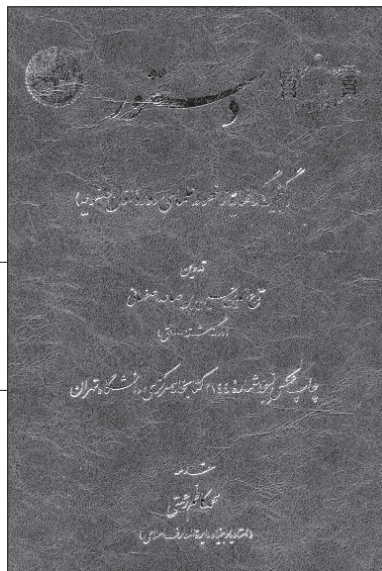
هر متنی که از ذخایر تراثی اسلام و ایران به زنجیره تحقیق و تصحیح می‌پیوندد و انتشار می‌یابد، گویای منزلت متمایز ایرانیان و مسلمانان در گستره دانش و اندیشه بشری نمودار و پیوند سلسله حیات معنوی و فرهنگی آنها در درازای تاریخ است. هر چه بیشتر میراث مکتوب خود را عرضه کنیم، بهتر می‌توانیم امروز خود را برای فردای بهتر، با

گذشته شکوهمند و شکوفای خود گره بزیم و بلندای بینش و اندیشه‌مان را در منظر دید جهانیان قرار دهیم.^۱

در میان اشکال مختلف

تدوین کتاب، گردآوری مجموعه‌هایی به خطوط عالمان برجسته روزگار، یکی از شیوه‌های متداول در سده‌های ۱۱-۱۲ ق بوده و آثار متعددی از این دست شناخته شده است. با این حال، مجموعه حاضر که توسط مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه، عنوان «دستور» بر

۱. دستور، ص ۵.



آن نهاده شده و به تعبیر شیخ الباحتین قرن گذشته، مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی، گنجینه‌ای گران‌مایه و یکی از آثار بسیار ارزنده است که از جهات مختلفی حائز اهمیت است؛ زیرا مجموعه حاضر سوای کثرت خطوط مختلف عالمان برجسته عصر نخست صفویه، مشتمل بر چندین رساله مهم است که برخی از آنها منحصرأ به واسطه مجموعه حاضر در دسترس قرار گرفته‌اند. اثر حاضر همچنین برای علاقه‌مندان به تاریخ هنر و خطاطی نیز بسیار ارزشمند خواهد بود و می‌تواند از این جهت نیز مورد امعان نظر قرار گیرد.^۲

معرفی مؤلف اثر

متأسفانه درباره مالک و گردآورنده مجموعه دستور با وجود آنکه شخصیت برجسته‌ای بوده و همان‌گونه که در عبارات‌هایی ممدوحان و کسانی که به خواهش وی مطلبی در مجموعه حاضر نوشته‌اند، عالم و شخصیت مشهوری بوده، مطالب چندانی دانسته نیست. میرتقی‌الدین کاشانی (زنده در ۱۰۱۶) تنها تراجم‌نگاری است که مطالبی درباره شرح حال تاج‌الدین حسین بن صاعد آورده است. وی در بخش شاعران اصفهان از میرزا تاج‌الدین حسین صاعد نام برده و نوشته:

نسبش به خواجه رکن‌الدین مسعود صاعد می‌رسد که ممدوح کمال‌الدین اسماعیل بوده و به این مناسبت صاعد تخلص می‌کند ... اگرچه صفاهانی مولد است، لیکن در دارالموحدین شیراز نشو و نما یافته و به خوی و سیرت اهل آنجا برآمده، مردی است نیک نفس، شریف نهاد، طاهر نسب، درویش مشرب که به وفور فضل مهتدی شده و به جواهر حلمی متحلی گشته و در انواع علوم نصاب کامل حاصل کرده، چنانچه در اقسام علوم، مؤلفات عربی و فارسی تصنیف نموده از آن جمله رساله‌ای است فارسی که مرقوم کلک سحر بیانش گشته و آن رساله شریف مشتمل است بر چندین دلیل که منتج و مفید ثبات و دوام دولت و سلطنت خاقان غفران پناه است ...

میرتقی‌الدین در ادامه گزیده‌ای از غزلیات وی را نقل کرده است. در حاشیه کتاب گفته شده که تاج‌الدین در سال ۱۰۰۰ در صفهان به اجل موعود درگذشته.

تاج‌الدین حسین بن شمس‌الدین صاعد، شاگرد منصور بن عبدالله راست‌گوی شیرازی از معاصرین غیاث‌الدین منصور دشتکی (متوفای ۹۴۸) بوده است. صاعد تعلقاتی فلسفی نیز دارد و در حقیقت خود یکی از اعضای کمتر شناخته شده مکتب فلسفی شیراز در عصر صفویه پیش از ملاصدرا است و سوای اشارات پراکنده که در متن دستور در این خصوص می‌توان یافت، وی در حلقه شاگردان نصر‌البیان بن نور‌البیان حضور داشته است.

۲. دستور، ص ۷.

۳. دستور، ص ۵.

چرا دستور؟

مجمومه حاضر همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، از چندین جهت اهمیت دارد. نخست از حیث اشمال بردست خط بسیاری از عالمان و حکیمان برجسته عصر صفویه و اینکه مطالبی را به خط خود کتابت کرده‌اند. بر اساس آن می‌توانیم تا حدی از دوره زندگی تاج‌الدین حسین بن صاعد اطلاعاتی به دست آوریم. مطالب کتابت شده در مواردی رساله‌های منحصر به فردی هستند که در جایی دیگر نسخه ندارند و این موارد در مجموعه حاضر کم نیست. به واقع مجموعه حاضر مشتمل بر بیش از چهل و پنج رساله است و کاتبان آنها در بیشتر موارد خود تاج‌الدین حسین بن صاعد و در موارد دیگر عالمان برجسته عصر صفوی هستند و از حیث ضبط و اتقان متن، با مجموعه‌های رساله‌های بسیار ارزشمند مواجه هستیم. متن از حیث ادبی نیز تا حدی حائز اهمیت است و به دلیل اشمال بر مجموعه‌هایی فراوان از اشعار شاعران به گونه‌ای به نوعی تذکره ادبی هم به حساب می‌آید. مرحوم دانش‌پژوه در اشاره به نسخه حاضر و نامی که خود بر آن برگزیده نوشته است:

نسخه‌ایست گرانبها و در آن نزدیک بصد دانشمند و شاعر بخط خود عباراتی نوشته‌اند و ۴۵ رساله در آن آمده است و بچند نام خوانده شده است و من از میان آنها نام «دستور» را که پیشینیان بر نسخه اصل مؤلفان اطلاع می‌کرده‌اند برگزیده‌ام. این دفتر در ص ۴۶ و ۶۹۱ مجموعه خوانده شده و در ص ۹۲، ۱۰۳، ۱۱۰، ۲۶۱، ۳۱۲، ۳۲۵، ۳۳۰، ۳۳۵، ۳۳۷، ۴۷۵، ۵۱۸، ۵۴۶، ۵۶۸، ۵۸۶، ۶۲۵، ۶۳۱، ۶۵۸، ۷۰۳ کتاب نامیده شده و در ص ۴۳۸ و ۴۵۶ بیاض نامیده شده و در ص ۴۴۱ سفینه خوانده شده و در ص ۵۲۴ دستور خوانده شده است.

معرفی اثر

نسخه‌های خطی از جنبه‌های مختلفی اهمیت دارند و نسخه‌های خطی منحصر به فرد، به دلیل همان بی‌بدیلی که دارند، ارزش و اهمیت روزافزون تری می‌یابند. نسخه برگردان حاضر در حقیقت از همین دسته نسخه‌های خطی است که سوای منحصر به فرد بودن، از جهات مختلفی از جمله برای علاقه‌مندان به تاریخ خط و خطوط اهمیت خاصی دارد. نسخه خطی حاضر که با نام دستور نخستین بار توسط مرحوم دانش‌پژوه معرفی و فهرست شده و اکنون به شماره ۲۱۴۴ در دانشگاه تهران نگاهداری می‌شود، همانند نسخه خطی دیگر همان کتابخانه که از قضا پیش از این نسخه شماره‌گذاری شده، یعنی نسخه خطی ۲۱۴۳ که عنوان المشیخه دارد، جزء معدود نسخه‌های خطی هستند که سوای ارزش‌های مختلف علمی که دارند، به دلیل در برداشتن خطوط عالمان و ادیبان سده دهم هجری اهمیت خاصی دارند.^۳

ابتدا مقدمه مفصلی از محمدکاظم رحمتی، استادیار بنیاد دایرة المعارف اسلامی در خصوص معرفی این اثر آورده شده است.

و منصور عباسی (ص ۱۳-۱۵) که سلام الله بن شاه میرزای حسینی سلامی آن را کتابت کرده است.

۵. رساله بعدی نیز اثری از محقق اردبیلی است که عنوانش در نسخه حاضر نیامده، اما همان رساله فی أن الأمر بالشیء یقتضی النهی عن ضده الخاص (ص ۶۸-۷۲) است.

۶. عبارتی از قسم منطق التهذیب تألیف ابوالقاسم ابن ابوحامد انصاری (ص ۷۷-۷۸). پاره‌ای است از شرحی که او بر منطق تهذیب المنطق تفتازانی به عربی نوشته و به خط خود اوست و مربوط است به عبارت «یقتسمان بالضرورة».

۷. بندی از تفسیر امام حسن عسکری (ع) که ابوالبرکات شریف واعظ در ۹۹۰ کتابت کرده است (ص ۸۷-۸۸).

۸. مطلبی از مهج الدعوات از قول یاسر الخادم با عنوان رقعہ الحیب من مهج الدعوات آمده و در آخر آن کتابت بهاء الدین عاملی ذکر شده است (ص ۱۹۰).

۹. فضل الله بن حبیب الله حسینی تفرشی حدیثی را در اواسط رجب سال ۹۸۰ نوشته است (ص ۱۹۱).

۱۰. قاضی قوام شیرازی مطلبی در رجب ۹۹۸ و در سن هفتاد سالگی درباره غالب و مغلوب به فارسی نوشته است (ص ۱۹۲-۱۹۴).

۱۱. رساله‌ای است تاریخی که نویسنده آن ضمن ارائه مختصری از کتاب نظام التواریخ قاضی بیضاوی، از قصد و تمایل خود برای نوشتن ذیلی بر آن و ذکر حوادث به صورت بسیار مجمل تا زمان سلطنت شاه طهماسب در ۹۳۹ پرداخته است (ص ۱۹۵-۲۰۶).

۱۲. مطالب مختلفی است که میرداماد برای تاج الدین بن حسین صاعد نوشته است. آغاز مطالب با بحث درباره مسئله نهم نمودج العلوم محقق دوانی است (ص ۲۱۳-۲۱۵) که میرداماد به رد مطالب دوانی پرداخته است و پس از آن مطلبی درباره «استدلال علی الوجود الذهنی» (ص ۲۱۵-۲۱۶) و برهان اسد و اخضر فارابی (ص ۲۱۵-۲۱۸) و کیفیت علم باری (ص ۲۱۸-۲۲۰) و دلالت وضعی از شرح مختصر عضدی (ص ۲۲۰-۲۲۱) آمده است.

۱۳. محب الله مطلبی درباره اجماع نوشته و گفته که اجماع بدون حضور امامیه منعقد نمی‌شود (ص ۲۳۹-۲۴۱).

۱۴. ابن محمد بن محمود دهمدار مطالبی در باب حقیقت انسان نوشته و در آخر متن اشعاری از خود با تخلص عیانی نقل کرده که دو بیت آن خوانا است (ص ۲۷۳-۲۷۶).

۱۵. محمد رستم‌داری حاشیه‌ای بر مبحث وجود ذهنی شرح تجرید قوشچی نوشته است (ص ۳۳۵-۳۳۸).

شرحی از زندگی تاج الدین حسین بن صاعد، گردآورنده دستوارائه شده و سپس فهرست تفصیلی مندرجات دستوار ذکر شده است. در نهایت نسخه برگردان کتاب مذکور با کیفیت چاپ عالی در حدود ششصد صفحه آورده شده است.

درباره کامل بودن نسخه دستوار به شکلی که اکنون در اختیار ما قرار دارد، اگر قرار باشد بر اساس خود نسخه قضاوت کنیم، به نظر می‌رسد که نسخه از انجام کامل باشد، اما در خصوص آغاز نسخه می‌توان گفت که رساله اولی که مجموعه با آن آغاز شده، کامل است، اما آیا پیش از آن مطلبی بوده یا خیر؟ نمی‌توان اظهار نظری کرد.

دانش پژوه در اشاره به نسخه نوشته:

نسخ و نستعلیق، ۹۷۸-۹۹۶، ۱۲۶۵، عنوان شنگرف، جدول لاجورد و زر، مهر محمد باقر بن محمد تقی در چند جای نسخه آمده، ۳۶۳ برگ شمار و ۷۲۴ صفحه شمار دارد، به جز سه برگ در آغاز و چهار برگ در پایان.

آقابزرگ در الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۴۷ از دستوار با عنوان گنجینه گران مایه یاد کرده و در خصوص آن نوشته:

مجموعه نفیسه من خطوط حدود مائه و ثلاثه من العلماء کتبوا رساله أو اجازه أو حدیثاً تذکراً لجامعها و بانیهما و هو تاج الدین حسین بن شمس الدین الطوسی الصاعدی الواعظ الفقیه، استاد السید حسین بن حیدر الکرکی ...

معرفی تفصیلی نسخه

در ادامه چند رساله و مطالبی که در این مجموعه بی نظیر گردآوری شده معرفی می‌شود.

۱. اولین رساله مجموعه اثری تفسیری است در شرح آیه تبلیغ ولایت (مائده، آیه ۶۷) (ص ۸-۱) از ابومحمد محمد علی بن عنایت الله بسطامی مشهور به بایزید ثانی که بر اساس اجازه‌ای که در ۱۰۰۴ به سید حسین بن حیدر کرکی (متوفی ۱۰۴۱) داده و متن آن درج ۱۰۶، بحار الانوار، ص ۱۶۷-۱۶۸ آمده، می‌دانیم تا این سال در قید حیات بوده است.

۲. رساله دوم أسئله الآملیه یا المسائل الحیدریه (ص ۷-۹) است که پاسخ‌های فخر المحققین محمد بن حسن بن حلی (متوفی ۷۷۱) به پرسش‌های شاگردش، سید حیدر بن علی بن حیدر حسینی آملی است.

۳. بندهایی از أجوبه المسائل المهنائیه (ص ۹-۱۰) است که سید مهنای بن سنان مدنی آنها را از علامه حلی (متوفی ۷۸۲) پرسیده و علامه نیز پاسخ‌هایی به آنها داده است.

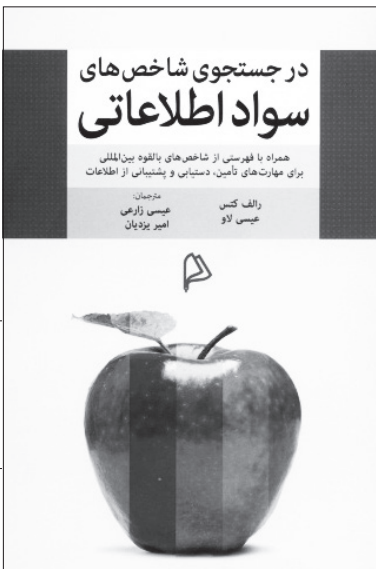
۴. رساله پنجم مطلب نسبتاً مفصلی است درباره امام صادق (ع)

۱۶. سعدالدین محمد غفاری کاشانی بندی به عربی درباره حکمت تکرار در سوره الكافرون و الرحمن در کربلا در رجب ۹۹۳ نوشته است (ص ۳۷۵-۳۷۶).
۱۷. المختصر الکافی فی الکلام که در توحید و امامت و به فارسی است و فریدالدین محمد بن محسن بیهقی در ۷۷۷ آن را تألیف کرده و تاج‌الدین صاعد متن حاضر را که مشتمل بر هشت مسئله است و بر اساس عقاید امامیه تألیف شده را کتابت کرده است (ص ۳۸۸-۳۹۰).
۱۸. عبدالعلی خادم بن محمود خادم جاپلغی حدیثی در ۲۷ رجب ۹۸۵ درباره تعلق روزهای هفته به ائمه نوشته است (ص ۴۳۱).
۱۹. عبدالکریم بن ابراهیم میسی عاملی پدر شیخ لطف‌الله که مسجد مشهور اصفهان به نام اوست بندی از طب الاثمه آورده است (ص ۵۳۹-۵۴۰).
۲۰. محمدباقر بن محمدتقی قمی حدیثی نوشته است (ص ۵۱۱-۵۱۲).
۲۱. سلمان بن حسن حسنی عاملی حدیثی به عربی در روز یکشنبه سوم ربیع‌الثانی ۹۸۱ نوشته است (ص ۵۱۸).
۲۲. محمود ساوجی حدیثی به عربی نوشته و در ذیل صفحه نیز حدیثی به فارسی ظاهراً توسط تاج‌الدین حسین صاعد کتابت شده است (ص ۵۱۹).
۲۳. حیدرعلی اصفهانی از باب نوادر کتاب معیشت کافی حدیثی را نقل کرده است (ص ۵۳۹-۵۴۰).

پیمان جلیل پور

معرفی اجمالی

در جستجوی شاخص‌های سواد اطلاعاتی



در جستجوی شاخص‌های سواد اطلاعاتی همراه با فهرستی از شاخص‌های بالقوه بین‌المللی برای مهارت‌های تأمین، دستیابی و پشتیبانی از اطلاعات؛ کنس، رالف و لاد، عیسی؛ ترجمه عیسی زارعی و امیر یزدیان؛ تهران: چاپار، ۱۳۹۳، ۹۹ صفحه.

اشاره

امروزه دسترسی به اطلاعات و استفاده مؤثر از آن برای تمام قشرهای جامعه به منزله یک اصل اساسی در زندگی اجتماعی و حرفه‌ای به شمار می‌رود. انفجار اطلاعات و در پی آن آلودگی اطلاعات، توسعه فناوری اطلاعات و پیوند مستمر آن با زندگی روزمره انسان‌ها، تغییر در شیوه‌های آموزشی و توجه به جایگاه پژوهش در آموزش و افزایش تنوع در قالب‌های منابع اطلاعاتی از عواملی است که جایگاه سواد اطلاعاتی^۱ را بیش از پیش ارتقا داده است.^۲

نخستین بار در سال ۱۹۷۴، پی. جی. زورکوفسکی^۳ عبارت «سواد اطلاعاتی» را به کار برد.^۴ تعریف‌های گوناگونی از سواد اطلاعاتی ارائه شده است، اما فصل مشترک تمام آنها توانایی شناسایی درست منابع اطلاعاتی، توانایی دسترسی به آنها و توانایی استفاده هدفمند از آنها

1. Information Literacy

۲. در جستجوی شاخص‌های سواد اطلاعاتی همراه با فهرستی از شاخص‌های بالقوه بین‌المللی برای مهارت‌های تأمین، دستیابی و پشتیبانی از اطلاعات، ص ۸.

3. Zurkowski

۴. ترگس خالقی و مرضیه سیامک؛ آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی؛ ۱۳۹۲، ص ۱۱.

است. سواد اطلاعاتی شامل شناخت نیازهای اطلاعاتی خود، مهارت تشخیص مکان‌یابی، سازمان‌دهی،

ارزیابی و استفاده مؤثر از اطلاعات است که فرد برای حل مسائل و مشکلاتش از آن استفاده می‌کند. این مهارت‌ها پیش‌نیاز مشارکت مؤثر در جامعه اطلاعاتی و از جمله حقوق پایه افراد برای «یادگیری مادام‌العمر» است.^۵ علاوه بر این سواد اطلاعاتی را می‌توان مجموعه مهارت‌های لازم برای جست‌وجو، بازیابی و استفاده مؤثر از منابع اطلاعاتی مختلف دانست. افراد برخوردار از این مهارت‌ها می‌توانند نیاز اطلاعاتی خود را به درستی تشخیص دهند، منابع لازم برای رفع این نیاز را شناسایی کنند و با تدوین راهبردهای مناسب در این منابع به جست‌وجو، شناسایی و گزینش اطلاعات بپردازند؛ یعنی آنان قادرند نتایج این جست‌وجو را نقدانه ارزیابی کنند و مناسب‌ترین گزینه‌ها را انتخاب نموده و ارزش اطلاعاتی منابع را برای رفع نیاز اطلاعاتی خود

۵. مهری پریخ؛ آموزش سواد اطلاعاتی؛ مفاهیم، روش‌ها و برنامه‌ها؛ ۱۳۸۶، ص ۱۴-۱۵.

سواد اطلاعاتی و برابری، راه‌های توسعه شاخص‌های سواد اطلاعاتی، منابع موجود شاخص‌های سواد اطلاعاتی، اعتبار محتوای شاخص‌های سواد اطلاعاتی، معیارهای سواد اطلاعاتی برای معلمان، دغدغه‌های معیارگذاری، سطوح سرنوشت‌ساز مقیاس‌های سواد اطلاعاتی و نتیجه‌گیری تشکیل شده است.

در پیوست ۱ شاخص‌های سواد اطلاعاتی ارائه شده توسط پژوهش لمپ^۸ شامل: ۱. تشخیص نیازهای اطلاعاتی. ۲. مکان‌یابی و ارزیابی کیفیت اطلاعات. ۳. ذخیره و بازیابی اطلاعات. ۴. استفاده اخلاقی و مؤثر از اطلاعات. ۵. به کارگیری اطلاعات برای خلق و اشاعه دانش در قالب جدولی آورده شده است.

در پیوست ۲ نمونه‌هایی از شاخص‌های سواد اطلاعاتی در ارزیابی مدرسه PISA و مطالعه DHS در قالب جدول آورده شده است.

در پیوست ۳ شاخص‌های بین‌المللی برای تأمین، دستیابی و فهم اطلاعات و مهارت‌های ICT که توسط مؤسسه آماری یونسکو تهیه شده آورده شده است.

پایان بخش کتاب، منابع مورد استفاده شده در کتاب با عنوان منابع است.

تشخیص دهند. در ضمن آنان می‌توانند اطلاعات به دست آمده را با دانش قبلی خود به نحوی پیوند دهند که این پیوند به تولید دانش جدید منجر شود. البته آنان در تمام مراحل این فرآیند، ملاحظات قانونی و اجتماعی و اخلاقی مربوط به استفاده و تولید اطلاعات را رعایت می‌کنند و در نهایت می‌توانند دانش خود را به شایستگی و در سطح گسترده‌ای در اختیار دیگران قرار دهند.^۶

معرفی کتاب

کتاب «در جستجوی شاخص‌های سواد اطلاعاتی همراه با فهرستی از شاخص‌های بالقوه بین‌المللی برای مهارت‌های تأمین، دستیابی و پشتیبانی از اطلاعات» گزارشی است که از سوی یونسکو منتشر شده است. این گزارش به خصوص از این نظر که ملاک‌های تبیین سواد اطلاعاتی را در مناطق مختلف جهان بررسی کرده و الگوهای برای بهبود وضعیت دسترسی به اطلاعات، ارزیابی نقش اطلاعات در اقتصاد و توسعه، بهبود مهارت‌های اطلاع‌یابی و اطلاع‌جویی، بررسی نقش تعاملی و محوری اطلاعات در امور آموزش و پرورش و سایر جنبه‌های مرتبط را فراهم کرده، می‌تواند مرجع مهمی برای علاقه‌مندان و پژوهش‌گران محسوب شود. علاوه بر این مفاهیمی همچون استانداردهای سواد اطلاعاتی، اخلاق و سواد اطلاعاتی، سواد اطلاعاتی و بزرگ‌سالان و نیز شاخص‌های بین‌المللی سواد اطلاعاتی در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

کتاب «در جستجوی شاخص‌های سواد اطلاعاتی همراه با فهرستی از شاخص‌های بالقوه بین‌المللی برای مهارت‌های تأمین، دستیابی و پشتیبانی از اطلاعات» از یک مقدمه، پیش‌گفتار، متن کتاب، سه پیوست و منابع تشکیل شده است.

در مقدمه عیسی زارعی، یکی از مترجمان کتاب، به سواد، سواد سستی، انواع سواد و سواد اطلاعاتی پرداخته است.

در پیش‌گفتار عبدالوحدید خان، معاون مدیرکل اطلاعات و ارتباطات سازمان یونسکو، درباره پروژه یونسکو با عنوان «اطلاعات برای همه»^۷ شرح داده است. وی اشاره می‌کند که سعی شده طراحی مطالب کتاب به نحوی باشد تا به عنوان یک منبع شرح و تفصیل شاخص‌های سواد اطلاعاتی را تسهیل کند.

متن کتاب از چکیده، تعریف سواد اطلاعاتی، عناصر سواد اطلاعاتی، تحقیق در عرصه سواد اطلاعاتی، اقتصاد و سواد اطلاعاتی، زنجیره اطلاعات، دانش، معیارهای سواد اطلاعاتی، سواد اطلاعاتی و توانمندی‌های بزرگ‌سالان، شاخص‌های سواد اطلاعاتی در آموزش عالی، سواد اطلاعاتی و سنت‌های شفاهی، اخلاق و سواد اطلاعاتی،

۶. در جستجوی شاخص‌های سواد اطلاعاتی همراه با فهرستی از شاخص‌های بالقوه بین‌المللی برای مهارت‌های تأمین، دستیابی و پشتیبانی از اطلاعات، ص ۹-۱۰.

7. Information for All Programs (IFAP)

8. Literacy Assessment and Monitoring Programme (LAMP)

الوقوف الاسلامیة فی القدس الشریف: دراسة تاریخیة موثقة

الوقوف الاسلامیة فی القدس الشریف: دراسة تاریخیة موثقة؛ خالد ارن؛ استانبول: الابحاث للتاریخ و الفنون و الثقافة الاسلامیة باستانبول، ۲۰۰۹

و نوع وقف) است که محقق به راحتی می‌تواند با اطلاعات وقف آشنا شود. همچنین یک دیگر از ویژگی‌های این کتاب، ارائه اصل تصویر وقف‌نامه‌هاست که برای استناد محققان جایگاه ویژه‌ای دارد.

این اثر وزین توسط گروهی از محققان و زیر نظر دکتر خالد ارن، مدیر ارسیکا^۱ IRCICA در مدت سه سال گردآوری، تحقیق و نوشته شده است. ارسیکا مرکزی تحقیقاتی است که در سال ۱۹۸۲م در استانبول ترکیه تأسیس شد. هدف از تشکیل این مرکز حفظ میراث فرهنگی است. بنابراین یکی از اهداف این موسسه، جمع‌آوری و نگهداری اسناد مربوط به میراث علمی و فرهنگی است.

جلد اول این کتاب از یک مقدمه، یک تمهید و سه قسمت تشکیل شده است. مقدمه کتاب از دکتر خالد ارن سرپرست و مدیر ارسیکا و تمهید آن به قلم دکتر محمد هاشم غوشه است. این کتاب با تحقیقی درباره تاریخ وقف در اسلام و سرگذشت وقف در شهر قدس و مناطق پیرامون آن آغاز می‌شود.

مهم‌ترین موضوعات قسمت اول عبارت است از:

قدس در عصر ایوبیان: قدس و صلاح‌الدین ایوبی، قدس و ملک افضل، قدس و ملک عزیز عثمان، قدس و ملک عادل، قدس و ملک معظم عیسی؛ قدس در زمان اشغال فرانسویان؛ والیان قدس در عصر ایوبیان. مؤلف در اینجا از یازده والی نام می‌برد که در زمان ایوبیان بر قدس حکمرانی می‌کرده‌اند.

الوقوف قدس در عصر ایوبیان

مؤلف در این قسمت ۱۰۰ صفحه‌ای به بیان مهم‌ترین موقوفاتی

۱. ارسیکا، مخفف (*Research Center For Islamic History, Art and Culture*) به معنای (مرکز بررسی تاریخ و فنون و فرهنگ اسلامی) است.

در طول تاریخ اسلام وقف از جایگاه ویژه‌ای بین مسلمانان و حاکمان مسلمان برخوردار بوده است. بیت المقدس به عنوان اولین قبله‌گاه منزلت ویژه‌ای بین مسلمانان جهان داشته و دارد. این مکان مقدس که به دلیل اهمیت آن، یهودیان و مسیحیان نیز به آن ارادت ویژه‌ای دارند، در طول تاریخ مورد توجه همه ادیان آسمانی و فرقه‌های آنها بوده است. به همین دلیل مسلمانان و دولت‌های اسلامی اهتمام ویژه‌ای به آبادانی و عمران این بنای باشکوه تاریخی-مذهبی داشته‌اند. یکی از راه‌های توجه مستمر به این مکان، وقف اموال، دارایی‌ها، روستاها و قنات‌ها از طرف حاکمان و مسلمانان بوده است تا متولیان قدس شریف بتوانند از محل درآمد موقوفات، به عمران و آبادانی آن مکان مقدس بپردازند.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که مسلمانان و حاکمان چه مقدار به وقف این مکان اهمیت می‌دادند؟ چه چیزهایی را وقف کردند؟ چه کسانی وقف کردند؟ سرنوشت این وقف‌ها چه شد؟ برای جواب به این پرسش‌ها، کتاب *الوقوف الاسلامیة فی القدس الشریف* در دو جلد در مرکز «الابحاث للتاریخ و الفنون و الثقافة الاسلامیة باستانبول» (ارسیکا) تحقیق و تألیف شده است. کتاب در دو جلد (۱۱۵۷ صفحه) و به تاریخ ۲۰۰۹ = ۱۳۸۸ در قطع رحلی شکل و زیبا و به همراه تصاویر، نقشه و نمودار به چاپ رسیده است. تصاویر و نقشه‌هایی که در این کتاب به چاپ رسیده است، در نوع خود کم‌نظیر است و سعی شده از بین کمتر دیده شده‌ها انتخاب شود. نقشه‌هایی از شهر قدس مربوط به زمان حکمرانی ایوبیان، تصویر کتیبه‌ها و سنگ قبر نوشت‌هایی با همین قدمت از ویژگی‌های این کتاب وزین است. ویژگی بعدی این کتاب، ارائه اطلاعات وقف به صورت جدول هفت‌خانه‌ای (شماره، تاریخ وقف، واقف، موقوف، مصارف وقف، مصدر و مدرک وقف‌نامه

مدارک ضمیمه شده است، اما قسم اول اوقاف قدس و اطراف آن در قرن ۱۱. در این قسمت همچون قسمت‌های قبلی ابتدا اوقاف حاکمان عثمانی ذکر شده است: سلطان مراد خان سوم، فرزند سلطان سلیم، سلطان محمد سوم فرزند مراد خان سوم، سلطان احمد فرزند سلطان محمود سوم، سلطان عثمان دوم فرزند سلطان احمد اول، سلطان مراد چهارم فرزند سلطان احمد اول، سلطان محمدخان چهارم فرزند سلطان ابراهیم و سپس اطلاعات دیگر اوقاف در قالب جدول ارائه شده است.

قسم دوم: قدس در قرن دوازدهم هجری: در این قسمت می‌خوانیم: انقلاب نقیب اشرف و ظهور برخی از خاندان‌ها، مشایخ مدینه، شیخ محمد خلیلی، حسینیون و نقابت اشرف و اوقاف قدس در قرن دوازدهم هجری

قسم سوم: قدس در قرن سیزدهم هجری تا عصر حاضر: در این قسمت اطلاعات اوقاف به ترتیب سال ایجاد در قالب جدول ارائه می‌شود.

نمونه‌ای از وقف‌نامه‌ها

وقف صلاح‌الدین یوسف بن ایوب

تاریخ وقف: ۵۸۸ق/۱۱۹۲

وقف: سلطان صلاح‌الدین یوسف بن ایوب

موقوف (مورد وقف شده): بیمارستان صلاحی (این بیمارستان در نزدیکی کلیسای قدیس مخلص بوده است. بقایای این بیمارستان در اکتشافات اخیر پیدا شده است).

موارد وقف: بیماران

وقف حاکم شرف‌الدین عیسی (یکی از حاکم قدس در زمان

ایوبیان)

تاریخ وقف: بعد از سال ۶۰۴ / ۱۲۰۷م

وقف: ملک معظم شرف‌الدین عیسی بن ملک عادل

موقوف (مورد وقف شده): مدرسه نحویه (این مدرسه در صحن مسجد اقصی و در رکن جنوب غربی صحن صخره واقع شده است. این مدرسه توسط شرف‌الدین عیسی در سال ۶۰۴ق تأسیس شد).

موارد مصرف وقف: طلاب علم از پیروان مذهب حنفی مشغول به تحصیل در مدرسه نحویه که تعداد آن ۲۵ نفر است که در علم نحو و قرائت‌های هفتگانه (قرآن) مشغول به تحصیل هستند.

می‌پردازد که در عصر ایوبیان اتفاق افتاده است و بیشتر از سوی حکمرانان و فرمانروایان ایوبی بوده است. اولین وقف‌نامه‌ای که ذکر می‌شود، وقف سلطان صلاح‌الدین یوسف بن ایوب در تاریخ ۵۸۴ق است که وی کوه زیتون معروف به کوه طور و روستای ابودیس را بر ذریه شیخ احمد هکاری مشهور به شیخ عنبر و شیخ علی کهاری و سپس بی‌نویان شهر قدس وقف می‌کند.

با بررسی وقف‌نامه‌های این قسمت آمار جالبی به دست آمد: وقف برای مدارس ۸ مورد، ۱ مورد مسجد، ۱ مورد بیمارستان، ۱ مورد خانقاه و ۱ مورد دارالقرآن‌الکریم که نشان از اهمیت دادن ایوبیان به مسئله وقف برای دانش‌اندوزی و ارتقای فرهنگی دینی است.

مؤلف قسمت دوم را به اوقاف قدس در عصر مملوکی اختصاص داده است. وی ابتدا اوقاف خلفا و حاکمان دوران مملوکی را نام می‌برد. حاکمانی همچون: ظاهر بیبرس (۶۵۸-۶۷۶ق)، منصور قلاوون (۶۷۸-۶۸۹ق) و ... در بین واقفان عصر مملوکی تعدادی زن هم وجود دارند که نشانگر مشارکت زنان در وقف اماکن مذهبی است؛ برای نمونه می‌توان به وقف‌نامه فاطمه بنت محمد بن علی مغربی اشاره کرد. از آنجایی که وی از اهالی مغرب بود، منزلی در محله مغاربه را برای فقیران و بی‌نویان مغرب که در قدس شریف زندگی می‌کردند، به تاریخ ۲۵/ربیع الاول/۷۴۷ وقف کرد.^۲ نیز زنی به نام ام هانی بنت حاج جمال‌الدین یوسف بن عزالدین خانه‌ای در محله مستراح، در سال ۹۱۶ق بر ذریه خود وقف کرد.^۳

مؤلف در این قسمت، به اوقاف قدس تا قرن دهم هجری پرداخته است و کپی وقف‌نامه‌ها را نیز درج کرده است. با بررسی این وقف‌نامه‌ها در عصر مملوکی این آمار به دست آمد: مدرسه: ۶، حمام: ۱، خانقاه: ۱.

مؤلف در قسمت سوم به بررسی اوقاف قدس در عصر عثمانی‌ها می‌پردازد و تا پایان جلد اول، به دلیل کثرت موقوفات در این زمان، به معرفی وقف‌نامه‌های این دوران می‌پردازد. در این قسمت ابتدا درباره مهم‌ترین اقدامات عثمانی‌ها در قدس توضیح داده می‌شود و سپس به سراغ وقف‌نامه‌ها می‌رود. مطالبی همچون ورود سلطان سلیم به شهر قدس، ترتیبات اداری جدید در اداره قدس، حمایت نیروهای ویژه عثمانی از قدس، تشکیلات سپاه عثمانی در قدس، وفات سلطان سلیم و انقلاب غزالی، قدس و سلطان سلیمان قانونی، سیر تاریخی ترتیبات اداری در زمان سلیمان قانونی، عمران و آبادانی قدس در قرن دهم هجری و در پایان این قسمت، اوقاف اسلامی در قدس در قرن دهم هجری.

مطالب جلد دوم نیز در سه قسمت عرضه شده است و در پایان جلد

۲. ج ۱، ص ۲۱۳.

۳. ج ۱، ص ۳۲۸.